



University of Science and Quranic Knowledge
Zanjan Faculty of Quranic Sciences

A Comparative Thematic Analysis of the Story of Hazrat Musa and Khidr in Tafsīr al-Tasnīm and Tafsīr al-Nemūneh¹

Yahya Rathi¹ , Farhad Edrisi² , Muhammad Hossein Saeeni³ ,
Hossein Moradi Zanjani⁴ 

1. PhD Candidate in Islamic Theology and Qur'anic and Hadith Sciences, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran. dr.yahyarasi@gmail.com
2. Associate Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Zanjan, Iran. fzedrisi@iauz.ac.ir
3. Associate Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Zanjan, Iran. mhsaeni@gmail.com
4. Assistant Professor, Department of Qur'anic and Hadith Sciences, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran. hmoradiz@yahoo.com

Research Article



Detailed Abstract

Research Objective: The aim of this research is a comparative study between the Tafsīr Tasnīm and Tafsīr Nemūneh regarding the story of the meeting between Hazrat Musa and Khidr. Due to characteristics such as the contemporaneity of the two Qur'anic exegetes, the fact that both benefited from the teachings of 'Allāmah Ṭabāṭabā'ī, the temporal and geographical alignment of their scholarly development and also certain distinctions—such as Tafsīr Tasnīm being a single-author work whereas Tafsīr Nemūneh being a group-authored commentary—these two Qur'anic exegeses were selected for a comparative study of the story of Hazrat Musa and Khidr, to examine and compare the views of the respective exegetes.

Research Methodology: This study, conducted as a comparative analysis between Tafsīr Tasnīm and Tafsīr Nemūneh, employs the method of thematic analysis. Relying on the textual content of the two Qur'anic exegeses, the thematic networks related to the story of Hazrat Musa and Khidr in both exegeses were identified and their systematic structures were mapped out. After mapping the thematic networks concerning the story, the weight of the basic themes under each organizing and overarching theme was also determined.

Findings: Based on the tables obtained in this study, the differences between the basic themes and organizing themes in the two Qur'anic exegeses are clearly evident.

1. The article is an extracted article from the PhD dissertation of Yahya Rathi

Received: 2024/08/12 ; Received in revised from: 2024/10/09 ; Accepted: 2024/11/25 ; Published online: 2025/03/15

◆ How to cite: Rathi, Yahya, Edrisi, Farhad, Saeeni, Muhammad Hossein, Moradi Zanjani, Hossein (1403SH): "A Comparative Thematic Analysis of the Story of Hazrat Musa and Khidr in Tafsīr al-Tasnīm and Tafsīr al-Nemūneh", *journals Comparative Interpretation Studies*, 9(18), P32-61, [10.22034/csq.2024.472931.1453](https://doi.org/10.22034/csq.2024.472931.1453)

©2025/ Authors retain the copyright and full publishing rights. Published by: Department of Qur'anic Exegesis and Sciences



cis.quran.ac.ir

The greatest difference in the basic thematic themes and weight between the two exegeses appears under the overarching theme of knowledge. In Tafsir Nemūneh, under the overarching theme of knowledge, there are seven basic themes categorized under three organizing themes: types of knowledge, the importance of knowledge, and the purpose of knowledge. In contrast, Tafsīr Tasnīm contains 28 basic themes under five organizing themes: the importance of knowledge, types of knowledge, the purpose of knowledge, knowledge-centeredness, and characteristics of divine knowledge.

The smallest difference in thematic weight occurs under the overarching theme of education and training. Under this theme, Tafsīr Nemūneh includes 26 basic themes, while Tafsīr Tasnīm has 25. The organizing themes under this overarching theme—such as the etiquette of seeking knowledge, the importance of the teacher, the value of education and training, patience in the pursuit of knowledge, teaching methods, and how to interact with students—are identical in both exegeses.

Mystical and ethical points in Tafsīr Tasnīm consist of 22 basic themes, compared to 9 in Tafsīr Nemūneh, indicating a broader spiritual focus in Tasnīm. As for the overarching theme of doubts and objections, Tafsīr Tasnīm includes 18 basic themes, while Tafsīr Nemūneh contains only 5, showing a greater emphasis by Javadi Āmuli on addressing theological and exegetical doubts surrounding the story. The organizing themes in Tasnīm under this category include: the story's reference to determinism, doubts about Musa's infallibility, the identity of Hazrat Musa and whether he is Hazrat Musa the son of 'Imrān, the role of Satan in forgetfulness, theological responses to criticisms of the story, the objection to the apparently unjust killing, and the issue of forgetfulness in a major prophet. In contrast, Tafsīr Nemūneh addresses only four organizing themes under this category: response to the objection regarding the killing, the role of Satan in forgetfulness, doubts about Musa's infallibility, and the identity of Hazrat Musa—each of which is associated with only one basic theme. Meanwhile, in Tafsīr Tasnīm, the basic themes under each organizing theme range from two to five.

Conclusion: This study revealed that Tafsīr Tasnīm addresses a broader range of themes in the story of Hazrat Musa and Khidr and provides a more detailed elaboration of its concepts. Greater attention is given in Tasnīm to the core narrative, its various dimensions, and especially the characterization of Khidr, resulting in a higher thematic weight for the overarching theme of the story. In line with this deeper focus, the Tafsīr Tasnīm also gives considerable attention to the doubts and theological questions surrounding the narrative and its characters. Another key area where Tafsīr Tasnīm stands out is in its treatment of the theme of knowledge, which showed the greatest difference in the number and depth of basic themes compared to Tafsīr Nemūneh. This indicates a more comprehensive and analytical approach in Tasnīm, particularly regarding foundational and philosophical elements of the narrative.

بررسی تطبیقی داستان موسی و خضر در تفسیر تسنیم و نمونه با روش تحلیل مضمون^۱

یحیی راثی^۱ (id)، فرهاد ادریسی^۲ (id)، محمدحسین صائینی^۳ (id)، حسین مرادی زنجانی^۴ (id)

۱. دانشجوی دکتری رشته الهیات و معارف اسلامی گرایش علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی،

زنجان، ایران. dr.yahyarasi@gmail.com

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران. (نویسنده مسؤول).

fzedrisi@iauz.ac.ir

۳. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران. mhsaieni@gmail.com

۴. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران. hmoradiz@yahoo.com

پژوهشی



چکیده

داستان‌های قرآنی فقط جنبه روایت‌گری و تاریخی ندارند بلکه شامل طیف وسیعی از آموزه‌های اخلاقی، عرفانی، اجتماعی، علمی و ... هستند. در این میان داستان موسی و خضر به دلیل ویژگی‌های خاص آن، مورد توجه مفسران قرار گرفته است. در این پژوهش، متن دو تفسیر تسنیم و نمونه با استفاده از روش تحلیل مضمون مورد تحلیل قرار گرفت و شبکه مضامین هر دو تفسیر در ارتباط با داستان موسی و خضر ترسیم شده است. بررسی تفسیر نمونه نشان داد که مضمون فراگیر علم در این تفسیر شامل ۷ مضمون پایه و ۳ مضمون سازمان دهنده است. مضمون نکات عرفانی و اخلاقی در تفسیر نمونه شامل ۹ مضمون پایه است. مضمون شبهات پیرامون داستان در تفسیر نمونه ۵ مضمون پایه و ۴ مضمون سازمان دهنده است و در نهایت مضمون داستان در تفسیر نمونه شامل ۳۴ مضمون پایه است. بررسی تفسیر تسنیم نشان داد که مضمون فراگیر علم در این تفسیر شامل ۲۸ مضمون پایه و ۵ مضمون سازمان دهنده است. مضمون نکات عرفانی و اخلاقی در تفسیر تسنیم شامل ۲۲ مضمون پایه است. مضمون شبهات پیرامون داستان در تفسیر تسنیم ۱۸ مضمون پایه و ۷ مضمون سازمان دهنده است و در نهایت مضمون داستان در تفسیر تسنیم شامل ۶۰ مضمون پایه است. مضمون تعلیم و تربیت، کمترین تفاوت بین دو تفسیر در این مضمون دیده می‌شود، ۲۶ مضمون پایه در تفسیر نمونه و ۲۵ مضمون پایه در تسنیم استخراج شد که سازمان دهنده‌های آن در هر دو تفسیر یکسان است. بنابراین تفسیر تسنیم دایره وسیع‌تری از مضامین را نسبت به تفسیر نمونه پوشش داده و به جنبه‌های بیشتری از داستان موسی و خضر پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، داستان موسی و خضر، تحلیل مضمون، شبکه مضامین، تفسیر نمونه، تفسیر

۱. مقاله مستخرج از رساله دکتری یحیی راثی است.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۳ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۱۲/۱۶ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۶ | تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۱۲/۲۵

◆ استناد به این مقاله: راثی، یحیی، ادریسی، فرهاد، صائینی، محمدحسین، زنجانی، حسین مرادی (۱۴۰۳). «بررسی تطبیقی داستان موسی و خضر در تفسیر تسنیم و نمونه با روش تحلیل مضمون»، *دوفصلنامه مطالعات تفسیری تطبیقی*، ۹(۱۸)، ۳۲-۶۱. [csq.2024.472931.1453/10.22034](https://doi.org/10.22034/esq.2024.472931.1453/10.22034)

©2025 نویسندگان، دارنده حق تألیف مقاله خود بدون محدودیت هستند. ناشر: دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم



۱. مقدمه

قرآن کریم بزرگ‌ترین و البته ماندگارترین معجزه الهی است که از جانب خداوند متعال برای هدایت انسان‌ها نازل شده و تا قیامت بدون تحریف در اختیار انسان‌ها قرار گرفته تا با استفاده از آن راه خویش را بیابند و به خدای خویش نزدیک‌تر شوند. اندیشمندان مسلمان معتقدند موضوعات و مسائلی که در قرآن مطرح شده، ترسیم‌کننده راه و روش و مسائلی است که بشریت با استفاده از آن‌ها می‌تواند معضلات فرهنگی و اجتماعی جوامع را برطرف کرده و در علوم مختلف پیشرفت کند، هرچند این مسئله نیازمند دو گام اساسی است: اول بهره‌گیری از دانش‌های مختلف جهت فهم زبان و محتوای قرآن؛ دوم استفاده از روش‌های پژوهش مناسب جهت کشف و شناسایی دقیق و نظام‌مند مضامین و موضوعات مطرح شده در آن (پاکتچی، ۱۳۹۲: ۱۲-۱۴).

داستان‌های قرآنی که به عنوان قصص قرآنی شناخته می‌شوند، بخش مهمی از قرآن کریم را دربر می‌گیرند. این داستان‌ها تنها روایت‌های تاریخی نیستند بلکه دارای معانی عمیق و درس‌های آموزنده‌ای هستند که به منظور هدایت و تربیت انسان‌ها گردآوری شده‌اند. عبرت‌آموزی، آموزش مفاهیم اخلاقی، تبیین معارف دینی، توجه به ابعاد مختلف زندگی، تقویت ایمان، جذب مخاطب و... از جمله جنبه‌های مهمی هستند که اهمیت قصص قرآنی را نشان می‌دهند (اشرفی، ۱۳۸۰: ۳۴۹).

مطالعه و بررسی موردی تفاسیر و بررسی مفاهیمی که هر مفسر در تفسیر آیات مختلف ارائه کرده، فقط برداشت یک مفسر را نسبت به آیات نشان می‌دهد. در مقابل مقایسه تطبیقی بین تفاسیر مختلف می‌تواند دایره دید وسیعی به پژوهشگر داده و ضمن مقایسه نظرات آن‌ها، برتری هرکدام از آن‌ها را بر دیگر یا وجه تشابهات و تمایزات آن‌ها را روشن کند (رستمی‌هرانی، ۱۳۹۸: ۷۲) و چه بسا در پس این روشن شدن ابعاد مختلف و مقایسه آن‌ها با یکدیگر برخی از ارتکازات ذهنی که بر فکر و اندیشه پژوهشگر سایه افکنده را تغییر دهد.

بررسی مقایسه‌ای بین تفاسیر مختلف علاوه بر گشودن افق‌های جدید مقابل پژوهشگران و کمک به یافتن اضلاع ناپیدای آیات و موضوعات از راه تفکر در اختلاف‌ها و شباهت‌های نظرات مفسران، پژوهشگران را از حصر‌گرایی رها کرده و امکان وقوف بر ابعاد ناپیدای آیات و موضوعات مورد تفسیر را فراهم می‌کند (فرامرزی قراملکی، ۱۳۹۵: ۲۹۵). این روش کمک می‌کند تا اختلاف‌های صوری و نزاع‌های لفظی از دایره بحث‌ها خارج شوند (نجارزادگان، ۱۳۸۳: ۱۴) و به

پژوهش‌گر این اجازه را می‌دهد تا از نتایج پیوند فکری در وسیع‌ترین حد خود استفاده کند (حکیم، بی‌تا: ۱۴).

در میان داستان‌های قرآنی، داستان ملاقات حضرت موسی و خضر (ع) یکی از داستان‌های عجیب و شگفت‌آور است که همواره مورد توجه مفسران قرار گرفته است و مفاهیم و تفاسیر بسیاری از آن استنباط و استخراج شده است. با توجه به این‌که داستان ملاقات حضرت موسی و خضر (ع) یک بار در قرآن ذکر شده غالب موارد تفسیری بیان شده در خصوص این داستان جهت برطرف کردن ابهامات احتمالی در آن مبتنی بر روایات وارد شده از ائمه معصومین است (سبحانی تبریزی، ۱۳۹۰: ۱۲/۲۱۳).

با توجه به ویژگی‌هایی این دو تفسیر چون معاصر بودن دو تفسیر، هم‌دوره بودن مفسران آن‌ها، بهره‌مندی هر دو مفسر از محضر علامه طباطبایی، تطابق زمانی و مکانی سیر علمی دو مفسر و... و البته برخی تمایزات مانند تک‌نگاری تفسیر تسنیم و نگارش گروهی تفسیر نمونه، این دو تفسیر برای مقایسه تطبیقی داستان موسی و خضر انتخاب شدند.

در این مقاله با استفاده از تحلیل کیفی و تکنیک تحلیل مضمون و بهره‌گیری از نرم‌افزار MAXQDA ابتدا متن کامل دو تفسیر مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و مضامین پایه استخراج شده است. سپس با تحلیل مضامین پایه و با توجه به شباهت‌ها و تفاوت‌ها، مضامین سازمان‌دهنده تعیین شده و در ادامه با بررسی و تحلیل مضامین سازمان‌دهنده، مضامین فراگیر مشخص شدند. در نهایت بر اساس وزن مضامین فراگیر و سازمان‌دهنده تحلیل مقایسه‌ای بین دو تفسیر در خصوص داستان موسی و خضر صورت گرفته است. بنا بر آنچه گفته شد این تحقیق هم از نظر عنوان و گستره پژوهش و هم از نظر روش دارای نوآوری است.

۲. پیشینه پژوهش

در خصوص داستان موسی و خضر مقالات و پژوهش‌هایی وجود دارد که هر یک با رویکرد متفاوت در تلاش برای دست یافتن به مفاهیم نهفته در این داستان برآمده‌اند (ر.ک: خاتمی، ۱۴۰۲: ۲۴۷) مانند مقاله «نکات تربیتی مربیگری در داستان موسی و خضر (ع) از منظر قرآن و روایات» (حدادی، ۱۴۰۲: ۴۸) که با استفاده از تفاسیر مختلف برخی نکات تربیتی را استنباط نموده و تبیین کرده است و مقاله «بررسی تحلیلی ظرایف و اشارات داستان حضرت موسی و خضر (ع) بر مبنای روایات تفسیری فریقین» (میراحمدی و طالبی طرقی، ۱۳۹۹: ۲۲۳) که به بیان ملاک اعتبار سنجی روایات تفسیری پرداخته شده است. همچنین مقاله

«تحلیل اصول تعلیمی برآمده از قصه حضرت موسی و خضر (علیهم السلام)» که به دنبال استنباط اصول تعلیمی در سه بخش اصول تعلیمی مشترک استاد و شاگرد، اصول تعلیمی اختصاصی شاگرد و اصول تعلیمی اختصاصی استاد پرداخته است. (یوسفی، ۱۴۰۱) و مقاله «مؤلفه‌های مدیریتی قرآن در قصه موسی و خضر» که به دنبال یافتن مؤلفه‌های مدیریتی در حوزه یادگیری سازمانی و نگرش سیستمی است (لطفی و همکاران، ۱۳۹۸). مقاله «آداب شاگردی و استادی در بازخوانی آیات مرتبط با موسی (ع) و خضر (ع)» (شاهرودی و نورانی نگار، ۱۳۹۴) به بازخوانی دیدگاه مفسران در خصوص آداب شاگردی و استادی پرداخته است. مقاله «تحلیلی بینامتنی بر داستان شیخ صنعان با نظری به داستان حضرت موسی و خضر (علیهم‌السلام)» (حجازی، ۱۳۹۳) که تلاش کرده تا بر اساس نظریه بینامتنیت، الگویی برای نقد و بررسی داستان‌های قرآنی ترسیم کند که در عین حال ساحت مقدس این کتاب آسمانی را خدشه دار نکند. مقاله «معنای پنهان متن داستان موسی و خضر؛ خوانش پدیدار شناختی و هرمنوتیک آیات ۶۵-۸۲ سوره کهف» (جلیلی و روهی، ۱۴۰۱) که به بررسی و چگونگی فهم هرمنوتیکی «متن بماهو متن» - به عنوان نقطه اتکای کنش خوانش، فهم و تأویل باشد- پرداخته است. مقاله «نکات تربیتی داستان موسی و خضر (ع) در قرآن کریم و روایات» (جعفرآبادی و حسینی، ۱۳۹۳) نیز تلاش کرده تا اخلاق صفاتی و اخلاق رفتاری را بر اساس داستان موسی و خضر استخراج کند. مقاله «آداب تعلیم و تعلم در داستان موسی و خضر (ع)» (فلاح‌پور، ۱۳۸۶) که سعی کرده تا نکات ارزشمند تربیتی، به ویژه آداب تعلیم و تعلم مخصوصاً وظایف دانشجو در مقابل استاد و وظایف متقابل استاد در مقابل دانشجو را بر اساس داستان موسی و خضر استنباط کند. بر اساس تتبع نگارنده غالب مقالاتی که در خصوص داستان موسی و خضر نوشته شده به صورت موردی نظر یکی از مفسران را در خصوص داستان موسی و خضر و ابعاد مختلف آن مورد بررسی قرار داده‌اند و تحقیقی که به صورت مقایسه داستان موسی و خضر را از منظر دو مفسر یا بیشتر مورد بررسی قرار بدهد، وجود ندارد.

۳. روش‌شناسی

پژوهش‌های کیفی صرفاً از روش‌های خاصی که متعلق به رویکرد خاص، نظریه خاص که دارای یک پارادایم واحد باشند استفاده نمی‌کنند (اووه، ۱۴۰۱: ۱۸). تحلیل مضمون یکی از روش‌های ساده و کارآمد تحلیل کیفی است که می‌توان از آن جهت سازمان‌دهی مضامین شناخته شده در چهار یا پنج سطح استفاده کرد

(عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۶۵). هرچند به عقیده برخی از دانشمندان روش تحقیق مانند بویاتریس^۱ تحلیل مضمون فقط ابزاری مناسب برای روش‌های تحقیق مختلف است (Boyatris, ۱۳۷: ۱۹۹۸) کدگذاری در تحلیل مضمون، فرآیند شناسایی، برجسب‌گذاری و سازمان‌دهی ایده‌ها، مفاهیم و موضوعات اصلی موجود در داده‌های کیفی است. کدگذاری فرایند پیش‌نیاز تحلیل‌های اصلی و بخش مقدماتی روش کیفی است نه روشی مستقل و خاص (Ryan & Bernard, ۲۰۰۰: ۷۷۲)؛ اما به عقیده براون و کلارک تحلیل مضمون یک روش ویژه جهت تحلیل متون است که مزایای مختلفی دارد (Braun & Clarke, ۲۰۰۶: ۸۷)؛ بنا بر آنچه گفته شد تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است که می‌تواند الگوهای معنادار در مضامین دو متن متفاوت را نشان دهد و زمینه مناسبی برای مقایسه آن‌ها فراهم آورد (عترت‌دوست و زاهد، ۱۴۰۲: ۷۰). ماتریس مضامین ابزاری قدرتمند در تحلیل مضمون است که به پژوهشگر کمک می‌کند تا رابطه بین مضامین مختلف را به صورت بصری و ساختاریافته نمایش دهد. این ماتریس در واقع یک جدول است که در آن ردیف‌ها نشان‌دهنده مضامین مختلف و ستون‌ها نشان‌دهنده ابعاد مختلف تحلیل هستند (شیخ‌زاده و بنی‌اسد، ۱۴۰۰: ۱۷۷).

با توجه به این‌که متن تفاسیر قرآن مشتمل بر داده‌های کیفی زیادی هستند که درصدد شرح و تبیین معانی پنهان در قرآن با به‌کارگیری روش‌های مختلف تفسیری هستند و طبیعتاً مضامین مختلفی را در دل خود جای داده‌اند که این مضامین علاوه بر این‌که نشئت‌گرفته از منهج علمی و پیش‌فرض‌های ذهنی مفسران قرآن است، می‌تواند نشان‌دهنده اهمیت موضوعات خاص در دیدگاه مفسر یا بی‌اهمیت بودن برخی از موضوعات باشد؛ در صورتی‌که بتوان شبکه مضامین بین تفسیر را به دست آورد به راحتی می‌توان اختلافات و تشابهات آن‌ها را مشخص کرد.

بر همین اساس دو متن تفاسیر تسنیم (جوادی آملی، ۱۳۹۹: ۵۲/ ۱۸۶-۳۸۲) و نمونه (مکارم شیرازی و جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۴: ۱۲/ ۴۷۹-۵۲۲) با رویکرد استقرایی موردبررسی قرار گرفت و پس از کدگذاری اولیه، گام‌های روش تحلیل مضمون شامل تجزیه متن و استخراج مضامین پایه، تشریح متن و شناسایی مضامین سازمان‌دهنده و ترکیب متن و تحلیل مضامین فراگیر (خنيفر، ۱۳۹۶: ۵۱-۶۶) بر روی داده‌ها اجرا شد. لازم به ذکر است که اطلاعات اولیه شامل نظرات

1. Boyatris.

دو مفسر پیرامون آیات مربوط به داستان حضرت موسی و خضر ابتدا در نرم افزار MAXQDA وارد شده و پس از کدگذاری اولیه و مشخص کردن کدهای پایه، سازمان دهنده و فراگیر، علاوه بر اینکه خروجی گرافیکی توسط خود نرم افزار تهیه شد، جهت دسته بندی و ترسیم شبکه مضامین خروجی اطلاعات به نرم افزار Excel منتقل شده و در نهایت جهت ارائه تحلیل متنی از آن ها استفاده شد.

۴. مراحل اجرای تحلیل مضمون

چنان که گفته شد، تحلیل مضمون یک روش تحقیق کیفی است که برای شناسایی، تحلیل و تفسیر الگوهای معنادار در داده های کیفی استفاده می شود. تحلیل مضمون سه مرحله کلی و اصلی دارد که از این قرار است: جستجو و شناسایی مضامین پایه با مطالعه عمیق و چندین بار داده ها، ایجاد مضامین سازمان دهنده با گروه بندی مضامین پایه و تعیین سلسله مراتب احتمالی مضامین و در نهایت شناسایی مضامین فراگیر. در ادامه نحوه اجرای این سه مرحله کلی در این پژوهش توضیح داده می شود:

الف) بررسی متن و مشخص کردن مضامین پایه: پس از مطالعه متن دو تفسیر تسنیم و نمونه و تجزیه متن آن ها و تنظیم اولیه مضامین و کدگذاری مضامین تعداد ۱۵۳ مضمون پایه برای تفسیر تسنیم و تعداد ۸۱ مضمون پایه برای تفسیر نمونه اختصاص یافت. مقایسه بین مضامین پایه بین دو تفسیر نشان می دهد که ۳۱ مضمون پایه بین هر دو تفسیر مشترک هستند. باید به این نکته توجه داشت که شناخت مضامین در تحقیقات کیفی یک فرآیند حساس و مهم است که به عوامل مختلفی از جمله تجربه پژوهشگر، سوالات تحقیق و ماهیت داده ها بستگی دارد. ب بنابراین ارتکازات ذهنی و فکری محقق می تواند در نحوه شناخت و عنوان بندی مضامین مؤثر باشد. البته با توجه به این که این تحقیق به روش استقرایی در تلاش است تا از مضامین جزئی به مضامین کلی و فراگیر برسد، تمام مفاهیم مهم و کلیدی در زمینه های عرفانی، اخلاقی، شبهات داستان، تعلیم و تربیت، علم و علم و علم آموزی بدون توجه به تکرار و ... به عنوان مضمون پایه در نظر گرفته شدند. لازم به ذکر است در مواردی که متن تفسیر خلاصه و گویا بوده از همان متن به عنوان مضمون پایه استفاده شده است. جهت آشنایی با نحوه اختصاص مضامین پایه به متن تفاسیر، جدول ذیل به عنوان نمونه مضامین پایه ای که از تفسیر تسنیم و نمونه استخراج شده است، ارائه می شود.

کد پایه	متن تفسیر
داستان موسی و خضر برای بالا بردن صبر موسی	می خواهد زمانی را به یاد آورد که موسی به جوان همراهش گفت که دست از طلب برنمی دارم و آرام و قرار نمی گیرم و مدام و پیوسته راه می پیمایم تا به مجمع البحرین (محل تلاقی دو دریا برسم و با دانایی آشنا به معارف الهی دیدار کنم و از خرمن دانش الهی او بهره گیرم یا این سفر سالیان متمادی به درازا انجامد): (وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَتْلِهِ لَا أُبْرِحُ حَتَّىٰ أَتْلُعَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ أَوْ أَمْضِيَ حُقُبًا). هدف اصلی ارسال فرستادگان رشد انسان هاست و کلیم خدای متعالی برای رسیدن به رشد در پی خضر راه بود از این رو به همسفر جوان خود گفت برای رسیدن به خضر آماده ام سالیانی در از راه پیمایم گفتنی است همان گونه که طلب و جست و جوی خضر بر موسی واجب بود، زیرا به استناد برخی نقل ها مأمور به ادراک محضر حضرت خضر الابدود و خدا به او فرمود که باید خضر را پیدا کنی، رسیدن به او هم شدنی بود از این رو موسی به یقین داشت که به مقصد می رسد. چون معنا ندارد که طلب واجب باشد؛ ولی رسیدن به مطلوب ناممکن.
هدف اصلی رسالت رشد انسان ها	
ملاقات با خضر برای رشد موسی	
طلب و جست و جوی خضر بر موسی واجب بود	
امر به محال قبیح است	
داستان در مورد موسی بن عمران است.	
ظاهر حوادث تأویل باطنی دارد	حوادث ظاهراً موافق با مراد اهل دنیا تأویلی دارند که در موطن مناسب خود - مثلاً در قیامت که روز تأویل حوادث دنیاست - روشن می شود.
موسی بن میشا بن یوسف پیامبری از بنی اسرائیل	در این آیه موسی بن میشا بن یوسف مقصود است که از پیامبران بنی اسرائیل بوده است استبعاد یکم قصه دیدار موسی با خضر در مصر رخ نداده است
استبعاد اینکه دیدار خارج از مصر بوده	
استبعاد اینکه چرا پیامبر اولوالعزم باید شاگرد کسی شود.	استبعاد دوم حضرت موسی از پیامبران اولوالعزم و دارای معجزات فراوانی بود که خدا با او سخن می گفت و وی را با آن معجزات بر فراغنه مصر پیروز کرد؛ چنین پیامبری چگونه شاگرد خضر شده است (قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَنِي مِمَّا عَلَّمْتَ رُشْدًا).

<p>تقسیم علم بر ظاهری و باطنی</p>	<p>این استعداد نیز جایگاهی ندارد چون علوم الهی دو بخش اند ظاهری و باطنی حضرت موسای کلیم از انبیای اولوالعزم بود و خدای سبحان با نزول تورات بر او همه احکام ظاهری شریعت را به وی آموخت؛ اما همه احکام و حکم الهی در امور ظاهری خلاصه نمی شوند بلکه تأویلات و امور باطنی نیز وجود دارند اموری مانند دیدار موسی و خضر نیز به مصالح پنهان و باطن این عالم مرتبط اند.</p>
<p>تفاوت ظاهر اعمال با باطن اعمال</p>	<p>احکام ظاهری شریعت را به وی آموخت؛ اما همه احکام و حکم الهی در امور ظاهری خلاصه نمی شوند بلکه تأویلات و امور باطنی نیز وجود دارند اموری مانند دیدار موسی و خضر نیز به مصالح پنهان و باطن این عالم مرتبط اند</p>
<p>موسی در امور شریعت از خضر اعلم بود.</p>	<p>بلکه بر پایه روایات موسی در امور شریعت از خضر اعلم بود.</p>
<p>تفاوت ظاهر اعمال با باطن اعمال</p>	<p>رخدادهای صحنه ملاقات حضرت موسی و خضر نشان می دهند که احکام الهی باطن و اسراری دارند و تنها برخی به ملاکات و اسرار احکام مصالح و مفاسد درونی آن ها پی می برند: (فَوَجَدَا عَبْدًا مِّنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِن لَّدُنَّا عِلْمًا).</p>
<p>کسی به احکام باطنی مأمور نیست</p>	<p>اما در امر شریعت کسی مأمور به احکام باطنی نیست.</p>
<p>شریعت در برابر طریقت نیست</p>	<p>شریعت در برابر طریقت نیست.</p>
<p>خضر ظاهراً پیرو شریعت موسی بود</p>	<p>خضر نیز ظاهراً پیرو شریعت موسی بوده است.</p>
<p>ظاهر حوادث تأویل باطنی دارد</p>	<p>بیشتر مردم از حقیقت احکام الهی آگاه نیستند و اسرار واقعی و تأویل این احکام پس از مرگ برای آن ها آشکار می شوند، از این رو در برخی روایات آمده که بیشتر مردم خوابند و پس از مردن بیدار می شوند الناس نیام فإذا ماتوا انتبهوا و در آن روز می فهمند که عمری را در اشتباه و بطلان به سر بردند و معیار حق و صدق و خیر و سعادت چیز دیگری بوده است.</p>

کد پایه	متن تفسیر
داستان موسی و خضر شگفت آور است.	تفسیر سرگذشت شگفت انگیز خضر و موسی
شان نزول آیات	مفسران در شان نزول آیات فوق نقل کرده اند که جمعی از قریش خدمت پیامبر ص رسیدند و از عالمی که موسی ع مأمور به پیروی از او شد سؤال کردند، آیات فوق نازل شد.
علم انبیاء هم محدود است	علم انبیاء از دامنه علم و دانشش در بعضی از جهات محدود است: (قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَ مِنَّمَا عَلَّمْتَ رُشْدًا).
معلم بودن خضر	به سراغ معلمی می رود که به او درس بیاموزد.
استبعاد اینکه موسی بن عمران منظور آیات نیست	منظور از "موسی" در آیه فوق بدون شک همان موسی بن عمران پیامبر اولوالعزم معروف است، هر چند بعضی از مفسران احتمال داده اند موسای دیگری باشد، و بعداً خواهیم گفت که این احتمال بیشتر به خاطر این بوده که نتوانسته اند پاره ای از اشکالات موجود در این داستان را حل کنند، ناچار به فرض موسای دیگری شده اند، در حالی که قرآن هر جا سخن از موسی می گوید همان موسی بن عمران است.
همراهی یوشع بن نون	و منظور از «فتاه» در اینجا طبق گفته بسیاری از مفسران، و بسیاری از روایات، «یوشع بن نون» مرد رشید و شجاع و با ایمان بنی اسرائیل است، و تعبیر به «فتی» (جوان) ممکن است به خاطر همین صفات برجسته یا به خاطر خدمت به موسی و همراهی و همگامی با او بوده باشد (وَأِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِفَتَاهُ...).
احتمالات سه گانه مجمع البحرين	«مَجْمَعُ الْبَحْرَيْنِ» به معنی محل پیوند دو دریا است، در اینکه اشاره به کدام دو دریا است میان مفسران گفتگو است، و روی هم رفته سه عقیده معروف در اینجا وجود دارد.
ظاهر حوادث تأویل باطنی دارد	و در چنین مواردی بسیار می شود که چهره ظاهر حوادث با آنچه در باطن و درون آن ها است متفاوت است، چه بسا ظاهر آن بسیار زنده یا ابلهانه است؛ در حالی که در باطن بسیار مقدس، حساب شده و منطقی است.

<p>قول موسی برای بردباری</p>	<p>موسی از شنیدن این سخن شاید نگران شد و از این بیم داشت که فیض محضر این عالم بزرگ از او قطع شود، لذا به او تعهد سپرد که در برابر همه رویدادها صبر کند و «گفت بخواست خدا مرا شکیبیا خواهی یافت و قول می دهم که در هیچ کاری با تو مخالفت نکنم» (قال سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا وَلَا أَعْصِي لَكَ أَمْرًا).</p>
<p>سکوت برای علم آموزی</p>	<p>ولی از آنجاکه شکیبایی در برابر حوادث ظاهراً زنده ای که انسان از اسرارش آگاه نیست کار آسانی نیست بار دیگر آن مرد عالم از موسی تعهد گرفت و به او اخطار کرد و «گفت پس اگر می خواهی به دنبال من بیایی سکوت محض باش، از هیچ چیز سؤال مکن تا خودم به موقع آن را برای تو بازگو کنم!» (قال فَإِنْ أَتَبَعْتَنِي فَلَا تَسْأَلْنِي عَنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ أَحَدِّثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا) موسی این تعهد مجدد را سپرد و در معیت این استاد به راه افتاد.</p>
<p>پایان مأموریت یوشع در همراهی با موسی</p> <p>مستول شریعت کار غیرشرعی را بر نمی تابد</p>	<p>از اینجا به بعد می بینیم که قرآن در تمام موارد ضمیر تشنیه به کار می برد که اشاره به موسی و آن عالم است و این نشان می دهد که مأموریت همسفر موسی، یوشع در آنجا پایان یافت، و از آنجا بازگشت، و یا به خاطر اینکه او در این ماجرا مطرح نبوده است نادیده گرفته شده، هرچند در حوادث حضور داشته، ولی احتمال اول قوی تر به نظر می رسد: (فَانْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا رَكِبَا فِي السَّفِينَةِ خَرَقَهَا قَالَ أَخَرَقْتَهَا لِتُغْرِقَ أَهْلَهَا لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا إِمْرًا)؛ از آنجاکه موسی از یک سو پیامبر بزرگ الهی بود و باید حافظ جان و مال مردم باشد، و امر به معروف و نهی از منکر کند، و از سوی دیگر وجدان انسانی او اجازه نمی داد در برابر چنین کار خلافی سکوت اختیار کند تعهدی را که با خضر داشت به دست فراموشی سپرد، و زبان به اعتراض گشود و «گفت آیا کشتی را سوراخ کردی که اهلش را غرق کنی؟</p>
<p>اعتراض اول موسی به معلم</p>	<p>و «گفت آیا کشتی را سوراخ کردی که اهلش را غرق کنی؟ راستی چه کار بدی انجام دادی!» (قال أَخَرَقْتَهَا لِتُغْرِقَ أَهْلَهَا لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا إِمْرًا).</p>
<p>نحوه برخورد خضر با اعتراض اول موسی (خونسردی)</p>	<p>در این هنگام مرد عالم الهی با متانت خاص خود نظری به موسی افکند و «گفت نگفتم تو هرگز نمی توانی با من شکیبایی کنی؟! (قال أَلَمْ أَقُلْ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا).</p>

<p>معذرت خواهی بعد از ارتکاب اشتباه</p>	<p>موسی که از عجله و شتاب زدگی خود که طبعاً به خاطر اهمیت حادثه بود پشیمان گشت و به یاد تعهد خود افتاد در مقام عذرخواهی برآمده رو به استاد کرد و چنین گفت مرا در برابر فراموش کاری که داشتم مؤاخذه مکن و بر من به خاطر این کار سخت مگیر» (قَالَ لَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا نَسِيتُ وَلَا تُرْهِقْنِي مِنْ أَمْرِي عُسْرًا) یعنی اشتباهی بود و هر چه بود گذشت تو با بزرگواری خود صرف نظر فرما.</p>
<p>عدم سخت گیری بر شاگردان</p>	<p>«لَا تُرْهِقْنِي» از ماده «ارهاق» به معنی پوشاندن چیزی است با قهر و غلبه، و گاه به معنی تکلیف کردن آمده است، و در جمله بالا منظور این است که بر من سخت مگیر و مرا به زحمت میفکن و به خاطر این کار فیض خود را قطع منما!.</p>
<p>اعتراض دوم موسی به معلم</p>	<p>در اینجا بار دیگر موسی از کوره در رفت، منظره وحشتناک کشتن یک کودک بی گناه، آنهم بدون هیچ معجزه، چیزی نبود که موسی بتواند در مقابل آن سکوت کند، آتش خشم در دلش برافروخته شد، و گویی غباری از اندوه و نارضایتی چشمان او را پوشانید، آن چنان که بار دیگر تعهد خود را فراموش کرد، زبان به اعتراض گشود، اعتراضی شدیدتر و رساتر از اعتراض نخست، چراکه حادثه وحشتناک تر از حادثه اول بود: (فَانْطَلَقَا حَتَّى إِذَا لَقِيَا غُلَامًا فَقَتَلَهُ قَالَ أَقْتَلْتَنَنْسًا زَكِيَّةً بِغَيْرِ نَفْسٍ لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا نُكْرًا).</p>
<p>پاسخ خضر به اعتراض دوم کمی شدیدتر بود</p>	<p>باز آن عالم بزرگوار با همان خونسردی مخصوص به خود جمله سابق را تکرار کرد و گفت «به تو گفتم تو هرگز توانایی نداری با من صبر کنی» (قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا).</p>
<p>تسلیم و سکوت در مقابل معلم</p>	<p>این جمله حکایت از نهایت انصاف و دورنگری موسی می کند، و نشان می دهد که او در برابر یک واقعیت، هرچند تلخ، تسلیم بود، و یا به تعبیر دیگر بعد از سه بار آزمایش برای او روشن می شد که مأموریت این دو مرد بزرگ از هم جدا است، و به اصطلاح آبشان در یک جوی نمی رود.</p>
<p>نپذیرفتن مهمان خلاف اخلاق است</p>	<p>و در هر صورت از آنچه بر سر موسی و استادش در این قریه آمد می فهمیم که اهالی آن خسیس و دون همت بوده اند، لذا در روایتی از پیامبر ص می خوانیم که درباره آن ها فرمود كانوا اهل قریة لثام و پستی بودند» سپس قرآن اضافه می کند «با این حال آن ها در آن آبادی دیواری یافتند که می خواست فرود آید، آن مرد عالم دست به کار شد تا آن را برپا دارد» و مانع ویرانی اش شود (فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ أَنْ يَنْقَضَ فَأَقَامَهُ).</p>

اعتراض سوم موسی	لذا تعهد خود را بار دیگر به کلی فراموش کرد، و زبان به اعتراض گشود اما اعتراضی ملایم تر و خفیف تر از گذشته، و «گفت می خواستی در مقابل این کار اجرایی بگیری!» (قال لَوْ شِئْتَ لَا تَتَّخَذْتَ عَلَيْهِ أَجْرًا).
نحوه برخورد خضر در مرتبه سوم	اینک وقت جدایی من و تو است! اما به زودی سر آنچه را که نتوانستی بر آن صبر کنی برای تو بازگو می کنم: (قال هذا فِرَاقُ بَيْنِي وَبَيْنِكَ سَأَنْبِئُكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا).
عدم تخطئه ی از قول و قرار	البته موسی هم هیچ گونه اعتراضی بر این سخن نکرد، زیرا درست همان مطلبی بود که خودش در ماجرای قبل پیشنهاد کرده بود، یعنی بر خود موسی نیز این واقعیت ثابت گشته بود که ایشان در یک جوی نمی رود.

جدول ۲: نمونه کدهای تفسیر نمونه

ب) شناسایی مضامین سازمان دهنده: همان گونه که در مرحله قبل اشاره شد، ارتکازات ذهنی و فکری محقق می تواند در نحوه شناخت و عنوان بندی مضامین مؤثر باشد، بنابراین لازم است تا پایایی و روایی پژوهش توسط محققان دیگر تأیید شود. جهت افزایش پایایی کدها و مضامین علاوه بر نویسنده مسئول که متن تفاسیر را چند بار مطالعه نموده و مضامین پایه را اصلاح و تنقیح نمود، از نظر اساتید دیگر جهت بررسی کدها و مضامین نیز استفاده شد. بعد از مقایسه کدهای نویسنده مسئول و اساتید دیگر مشخص شد، مضامین اولیه و مضامین پیشنهادی بعدی تا حد نسبتاً زیادی با یکدیگر همپوشانی دارند، بنابراین پایایی جداول مضامین پایه این دو تفسیر مورد تأیید قرار گرفت. در خصوص روایی نیز علاوه بر همپوشانی که در بالا بدان اشاره شد، اختصاص کدهای سازمان دهنده به مضامین اولیه دو تفسیر که فقط در ۳۱ مضمون پایه مشترک بودند نشان داد که روند اختصاص مضامین پایه به درستی انجام شده که مضامین سازمان دهنده بین هر دو تفسیر دارای اشتراک فراوانی هستند. دسته بندی انجام شده بین مضامین پایه نشان داد که مضامین سازمان دهنده تفسیر تسنیم عبارت اند از:

۱. اقسام علم
۲. آموخته های خدا به پیامبران دو گونه است
۳. اهمیت علم

۴. تفاوت علم پیامبران با عالمان
۵. مجاز دو قسم است
۶. هدف علم
۷. ویژگی های علم لدنی
۸. بازگشت آثار اعمال به خودتان یا فرزندان
۹. ادله عمر جاودانه خضر نبی
۱۰. ادله نبوت یا ولایت خضر
۱۱. اشکالات فخر رازی بر ادله نبوت خضر
۱۲. تفاضل موسی و خضر دو جانبه است
۱۳. ویژگی های حضرت خضر
۱۴. خضر پیامبر بود
۱۵. خضر: انسان یا فرشته
۱۶. داستان
۱۷. داستان اول
۱۸. داستان دوم
۱۹. داستان سوم
۲۰. ماهی زنده بود یا مرده؟
۲۱. مکان مجمع البحرین
۲۲. معنای انشاءالله
۲۳. منظور از گنج
۲۴. ویژگی های حضرت موسی
۲۵. نظر مفسران اهل سنت در مورد عمر خضر
۲۶. نقد جاودانگی خضر
۲۷. ویژگی های داستان موسی و خضر
۲۸. یوشع بن نون
۲۹. اهمیت شریعت
۳۰. شرط لازم برای رسیدن به علم تأویل
۳۱. نکات اخلاقی و عرفانی

۳۲. وسوسه شیطان نافی آزادی انسان نیست
۳۳. داستان اشاره به جبرگرایی دارد
۳۴. شبهات پیرامون عصمت موسی
۳۵. شبهه در مورد شخصیت موسی
۳۶. شبهه در مورد نسیان و فراموشی
۳۷. آداب علم‌آموزی
۳۸. اهمیت استاد
۳۹. اهمیت تعلیم و تربیت
۴۰. صبر در راه علم‌آموزی
۴۱. عدم تکلیف مالایطاق به دانش‌آموز
۴۲. نحوه آموزش
۴۳. نحوه مواجهه با شاگرد
- دسته‌بندی انجام شده بین مضامین پایه نشان داد که مضامین سازمان دهنده تفسیر نمونه عبارت‌اند از:
۱. احتمالات مجمع البحرین
 ۲. اشاره به داستان مشابه موسی و خضر
 ۳. تفاضل موسی و خضر دوجانبه است
 ۴. ویژگی‌های حضرت خضر
 ۵. خضر مشمول رحمت خاص خدا
 ۶. داستان اول
 ۷. داستان دوم
 ۸. داستان سوم
 ۹. دلیل رسیدن خضر به علم لدنی
 ۱۰. راز قتل غلام
 ۱۱. فرد داناتر از موسی
 ۱۲. فقیر زمین‌گیرتر از مسکین
 ۱۳. منظور از گنج
 ۱۴. ویژگی‌های داستان موسی و خضر

۱۵. یوشع بن نون
۱۶. اقسام علم
۱۷. اهمیت علم
۱۸. تفاوت علم پیامبران با عالمان
۱۹. هدف علم
۲۰. اهمیت شریعت
۲۱. آداب علم‌آموزی
۲۲. اهمیت استاد
۲۳. اهمیت تعلیم و تربیت
۲۴. صبر در راه علم‌آموزی
۲۵. نحوه آموزش
۲۶. نحوه مواجهه با شاگرد
۲۷. شبهات داستان
۲۸. شبهات پیرامون عصمت موسی

مقایسه بین دو گروه مضامین سازمان دهنده نشان می‌دهد که ۱۸ مضمون سازمان دهنده بین هر دو تفسیر مشترک هستند. به نظر می‌رسد ۱۰ مضمون سازمان دهنده که در تفسیر نمونه منحصر به فرد هستند و ۲۶ مضمون سازمان دهنده که در تفسیر تسنیم منحصر به فرد هستند، همان نقاط اختلافی هستند که هر یک از مفسران نظرات خاص خود در خصوص داستان موسی و خضر را بیان کرده‌اند. البته باید به این نکته نیز توجه نمود که حجم داستان موسی و خضر در تفسیر تسنیم حدود ۲۰۰ صفحه و در تفسیر نمونه حدود ۴۰ صفحه است؛ همین امر سبب شده علاوه بر زیاد بودن تعداد مضامین پایه در تفسیر تسنیم، شاهد کثرت مضامین سازمان دهنده در این تفسیر هم باشیم.

ج) تحلیل و شناسایی مضامین فراگیر: قبل از بررسی مضامین فراگیر برای آشنایی با روند رسیدن از مضامین پایه به مضامین فراگیر مثالی از هر دو تفسیر ارائه می‌شود. در تفسیر تسنیم به این متن «موسای کلیم فرمود در جست و جوی استاد معرفت تا مجمع البحرين که مکان خاص است می‌روم و اگر در آنجا به ملاقات استاد نرسیدم از طلب دست بر نمی‌دارم و سالیان متمادی در جست و جوی راه می‌پیمایم تا به او برسم، این جمله نشان دهنده ارزشمندی جست و جوی استاد معرفت است» (جوادی آملی، ۱۳۹۹: ۵۲ / ۱۹۳). مضمون پایه «ارزش

جستجوی استاد» اختصاص داده شد و مضمون پایه دیگری با عنوان «فراق استاد سخت‌ترین اندوه‌ها» به متن «بر پایه برخی نقل‌ها حضرت موسی فرمود که من سختی‌های فراوان دیده‌ام؛ اما این سخن خضر که فرمود: هذا فراق بینی و بینک از شدیدترین محنت‌ها و سختی‌های دوران عمرم بوده است» (جوادی آملی، ۱۳۹۹: ۵۲/۳۱۴). اختصاص داده شد. این دو مضمون در کنار یکدیگر بر اهمیت استاد دلالت دارند؛ بنابراین مضمون سازمان‌دهنده اهمیت استاد برای دسته‌بندی این دو مضمون پایه در تفسیر تسنیم تعیین شد. در تفسیر نمونه نیز مضمون پایه «فراق استاد سخت‌ترین اندوه‌ها» به متن «ولی به‌هرحال خبر فراق همچون پتکی بود که بر قلب موسی وارد شد، فراق از استادی که سینه‌اش مخزن اسرار بود، و مصاحبتش مایه برکت، سخنانش درس بود، و رفتارش الهام‌بخش، نور خدا در پیشانی‌اش می‌درخشید و کانون قلبش گنجینه علم الهی بود» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۲/۴۹۷). اختصاص یافت و به متن «از او طلب ارشاد و هدایت می‌نماید (رشدا)». مضمون «برای رسیدن به رشد به استاد نیاز داریم» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۲/۵۲۲) اختصاص داده شد، همان‌گونه که مشاهده می‌شود این دو مضمون نیز بر اهمیت استاد دلالت دارند؛ بنابراین مضمون سازمان‌دهنده اهمیت استاد برای دسته‌بندی این دو مضمون پایه در تفسیر نمونه تعیین شد. درنهایت مضمون سازمان‌دهنده «اهمیت استاد» همراه مضامین سازمان‌دهنده دیگری مانند، آداب علم‌آموزی، اهمیت تعلیم و تربیت، نحوه آموزش و ... ذیل مضمون فراگیر تعلیم و تربیت دسته‌بندی شد. مسیر بالا برای تمام مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر اجرا شده که جهت اختصار به ذکر این نمونه اکتفا شد. پس از مشخص شدن مضامین پایه و سازمان‌دهنده، با استفاده از طبقه‌بندی مضامین سازمان‌دهنده و مشخص کردن محدوده کلی آن‌ها، راه رسیدن به مضامین فراگیر هموار می‌شود. با بررسی‌های دقیق نویسندگان مقاله و تلاش برای طبقه‌بندی دقیق مضامین سازمان‌دهنده نظرات دو تفسیر تسنیم و نمونه نشان داد که این مضامین را درنهایت می‌توان در ۵ مضمون فراگیر داستان، شبهات داستان، علم، تعلیم و تربیت و نکات اخلاقی و عرفانی طبقه‌بندی کرد. جدول شماره ۳ مضامین فراگیر و سازمان‌دهنده را در تفسیر تسنیم نشان می‌دهد.

سال نهم

شماره دوم

پیاپی: ۱۸

پاییز و زمستان

۱۴۰۳

اقسام علم	علم
آموخته‌های خدا به پیامبران دو گونه است	
اهمیت علم	
تفاوت علم پیامبران با عالمان	
گونه‌های علم	
تقسیم مجاز	
هدف علم	
ویژگی‌های علم لدنی	
بازگشت آثار اعمال به خودتان و یا فرزندان	داستان
ادله عمر جاودانه خضر نبی	
ادله نبوت یا ولایت خضر	
تفاضل موسی و خضر دو جانبه و تمایز بوده است	
اشکالات فخر رازی بر ادله نبوت خضر	
ویژگی‌های خضر	
داستان اول	
داستان دوم	
داستان سوم	
مجمع البحرین	
معنای انشاء الله	
منظور از گنج چیست؟	
ویژگی‌های موسی	
ماهی زنده بود یا مرده؟	
نظر مفسران اهل سنت در مورد عمر خضر	
نقد جاودانگی خضر	
ویژگی‌های داستان موسی و خضر	
یوشع بن نون	

اهمیت شریعت	نکات عرفانی و اخلاقی
شرط لازم برای رسیدن به علم تأویل	
نکات اخلاقی و عرفانی	
وسوسه شیطان آزادی انسان را نمی‌گیرد.	
داستان اشاره به جبرگرایی دارد	شبّهات
شبّهات پیرامون عصمت موسی	
شبّه در مورد شخصیت موسی	
شبّه در مورد نسیان و فراموشی	
آداب علم‌آموزی	تعلیم و تربیت
اهمیت استاد	
اهمیت تعلیم و تربیت	
صبر در راه علم‌آموزی	
عدم تکلیف مالایطاق به دانش‌آموز	
نحوه آموزش	
نحوه مواجهه با شاگرد	

جدول ۳: مضامین فراگیر و سازمان‌دهنده تفسیر تسنیم

جدول شماره ۴ مضامین فراگیر و سازمان‌دهنده را در تفسیر نمونه نشان می‌دهد.

احتمالات سه‌گانه مجمع البحرین	داستان
اشاره به داستان مشابه موسی و خضر	
تفاضل موسی و خضر دوجانبه و تمایز بوده است	
ویژگی‌های خضر	
خضر مشمول رحمت خاص است	
داستان اول	
داستان دوم	
داستان سوم	
دلیل رسیدن خضر به علم لدنی	
راز قتل غلام	
فرد داناتر از موسی هست؟	
فقیر زمین‌گیرتر از مسکین	
مجمع البحرین	
منظور از گنج چیست؟	
ویژگی‌های داستان موسی و خضر	
یوشع بن نون	علم
اقسام علم	
اهمیت علم	
تفاوت علم پیامبران با عالمان	
هدف علم	
اهمیت شریعت	نکات عرفانی و اخلاقی
رعایت ادب هنگام جدا شدن	
اگر خضر دستور نداشت به باطن عمل نمی‌کرد	
همه کارهای خضر با هدایت و فرمان خدا بود	
ظاهر حوادث تأویل باطنی دارد	
نپذیرفتن مهمان خلاف اخلاق است	

آداب علم آموزی	تعلیم و تربیت
اهمیت استاد	
اهمیت تعلیم و تربیت	
صبر در راه علم آموزی	
نحوه آموزش	
نحوه مواجهه با شاگرد	شبّهات
شبّهات داستان	
شبّهات پیرامون عصمت موسی	

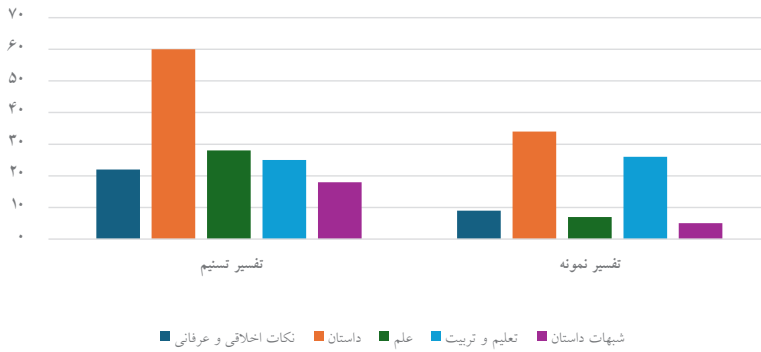
جدول ۴: مضامین فراگیر و سازمان دهنده تفسیر نمونه

جدول شماره ۵ میزان فراوانی مضامین پایه ذیل مضامین فراگیر را نشان می‌دهد.

تفسیر	نکات اخلاقی و عرفانی	داستان	علم	تعلیم و تربیت	شبّهات داستان	جمع کدها
تفسیر تسنیم	۲۲	۶۰	۲۸	۲۵	۱۸	۱۵۳
تفسیر نمونه	۹	۳۴	۷	۲۶	۵	۸۱

جدول ۵: فراوانی مضامین پایه ذیل مضامین فراگیر

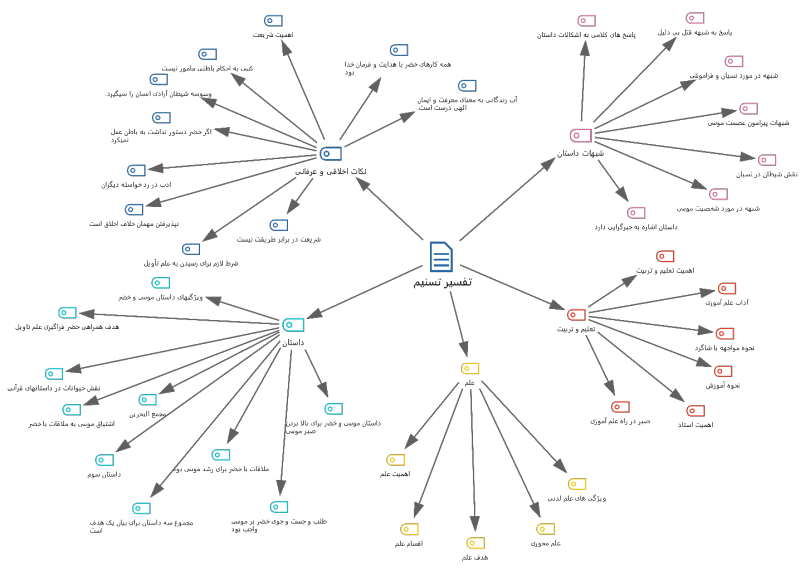
شکل شماره ۱ نیز بر اساس جدول بالا تهیه شده است که به وضوح میزان تفاوت وزن مضامین فراگیر در هر تفسیر را نشان می‌دهد. مقایسه بین نمودارهای مضامین بین دو تفسیر، میزان اختلاف آن‌ها را نیز مشخص می‌کند.



شکل ۱: نمودار مضامین فراگیر داستان موسی و خضر در تفسیر تسنیم و نمونه

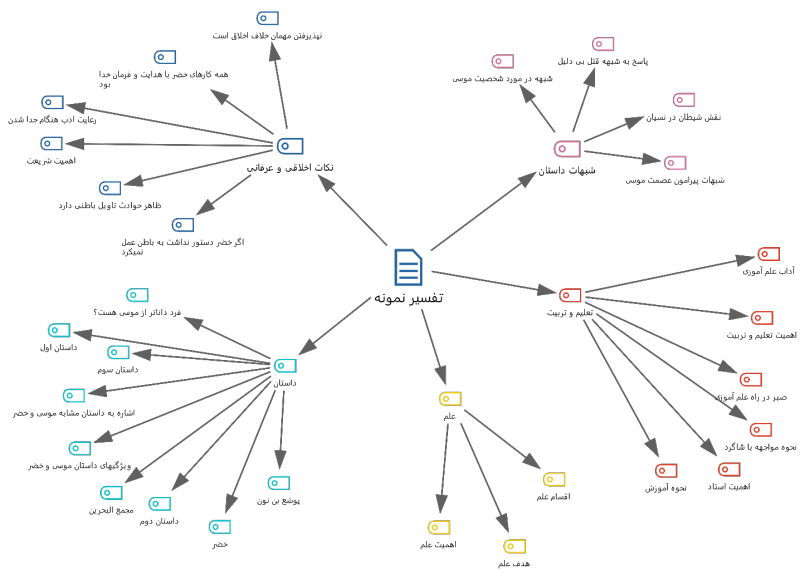
جمع بندی و نتیجه

پس از آنکه جدول نهایی مضامین پایه، سازمان دهنده و فراگیر نهایی شد و پایایی و روایی آن تثبیت شد، نوبت به مقایسه بین دو تفسیر می‌رسد. همان‌گونه که قبلاً نیز اشاره شد، در این پژوهش به صورت استقرایی از مضامین پایه به مضامین سازمان دهنده و فراگیر رسیدیم. نگاهی به پژوهش‌های پیشین در خصوص داستان حضرت موسی و خضر نشان دهنده این موضوع است که بیشتر مفسران به سه مضمون فراگیر تعلیم و تربیت، اصل داستان و نکات عرفانی و اخلاقی داستان توجه داشته‌اند. در حالی که در این پژوهش دو مضمون فراگیر علم شامل مضامین سازمان دهنده‌ای چون اهمیت علم، علم محوری در امور، اقسام علم، هدف علم و ... و نیز شبهات مطرح شده پیرامون داستان موسی و خضر و عناصر مختلف آن نیز به صورت جداگانه به عنوان یک مضمون فراگیر قرار داده شد. شبکه مضامین پایه، سازمان دهنده و فراگیر تفسیر تسنیم در شکل شماره ۲ مشخص است.



شکل ۲: شبکه مضامین پایه، سازمان دهنده و فراگیر تفسیر تسنیم

شبکه مضامین پایه، سازمان دهنده و فراگیر تفسیر نمونه نیز در شکل شماره ۳ مشخص است.



شکل ۳: شبکه مضامین پایه، سازمان دهنده و فراگیر تفسیر نمونه

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود و در جدول بالا هم بدان اشاره شد، تفاوت بین مضامین پایه و مضامین سازمان دهنده بین دو تفسیر کاملاً مشخص است. بیشترین تفاوت وزن بین مضامین پایه بین دو تفسیر در مضمون فراگیر علم دیده می‌شود. ذیل مضمون فراگیر علم در تفسیر نمونه ۷ مضمون پایه ذیل ۳ مضمون سازمان دهنده اقسام علم، اهمیت علم و هدف علم وجود دارد در حالی که ذیل مضمون فراگیر علم در تفسیر تسنیم ۲۸ مضمون پایه ذیل ۵ مضمون سازمان دهنده اهمیت علم، اقسام علم، هدف علم، علم محوری و ویژگی‌های علم لدنی وجود دارد. کمترین تفاوت وزن بین مضامین پایه ذیل مضمون فراگیر تعلیم و تربیت وجود دارد، ذیل این مضمون فراگیر در تفسیر نمونه ۲۶ مضمون پایه و در تفسیر تسنیم ۲۵ مضمون پایه وجود دارد؛ آداب علم‌آموزی، اهمیت استاد، اهمیت تعلیم و تربیت، صبر در راه علم‌آموزی، نحوه آموزش، نحوه مواجهه با شاگرد، مضامین سازمان دهنده مضمون فراگیر تعلیم و تربیت در هر دو تفسیر هستند و در این مورد هیچ تفاوتی بین مضامین سازمان دهنده وجود ندارد. نکات عرفانی و اخلاقی در تفسیر تسنیم شامل ۲۲ مضمون پایه است در حالی که این نکات در تفسیر نمونه ۹ مضمون پایه است. تعداد مضامین پایه در مضمون فراگیر شبهات در تفسیر تسنیم ۱۸ مورد و در تفسیر نمونه ۵ مورد است که نشان دهنده اهتمام بیشتر جوادی آملی به پاسخگویی به شبهات پیرامون داستان در ذیل مضامین سازمان دهنده، اشاره داستان موسی و خضر به جبرگرایی، شبهات پیرامون عصمت موسی، شبهه در مورد شخصیت موسی و این‌که منظور موسی بن عمران است، نقش شیطان در نسیان، پاسخ‌های کلامی به اشکالات داستان، پاسخ به شبهه قتل بی‌دلیل و در نهایت شبهه در مورد نسیان و فراموشی پیامبر اولوالعزم است؛ در حالی که مضامین سازمان دهنده تفسیر نمونه در خصوص شبهات داستان در چهار مضمون پاسخ به شبهه قتل بی‌دلیل، نقش شیطان در نسیان، شبهات پیرامون عصمت موسی و شبهه در مورد شخصیت موسی خلاصه می‌شود که ذیل هر کدام فقط یک مضمون پایه قرار دارد در حالی که مضامین پایه ذیل مضامین سازمان دهنده تفسیر تسنیم بین ۲ مورد تا ۵ مورد است. آخرین مضمون فراگیر در دو تفسیر مضمون داستان است که شامل مضامینی است که در خصوص اتفاقاتی که در ماجرای ملاقات موسی و خضر رخ داده، شخصیت‌های داستان، مکان ملاقات و تأویل اعمال ظاهری خضر و باطن آن‌ها است. تفسیر تسنیم شامل ۶۰ مضمون پایه و تفسیر نمونه شامل ۳۴ مضمون پایه درباره داستان است. در بین مضامین سازمان دهنده

داستان بیشترین وزن مربوط به شخصیت جناب خضر است که در تفسیر تسنیم ۱۳ مضمون پایه و در تفسیر نمونه ۸ مضمون پایه در خصوص شخصیت خضر و ویژگی‌های ایشان ذکر شده است و همین مسئله نشانگر اهمیت این موضوع بین ۲ مفسر است. نکته‌ای که اینجا باید بیشتر مورد توجه قرار بگیرد این است که ذیل مضامین سازمان‌دهنده دیگر نیز به نوعی شخصیت جناب خضر محوریت داستان را بر عهده دارد. در هر ۳ اتفاقی که در طول داستان رخ می‌دهد، این جناب خضر است که هر واقعه را رقم می‌زند و در نهایت تأویل هر داستان را نیز خود خضر تبیین می‌کند. ویژگی‌های حضرت موسی و دلیل مأموریت یافتن ایشان برای یافتن خضر و همسفر شدن با ایشان و تعلیم علم تأویل از مضامین پایه‌ای هستند که مورد توجه هر دو مفسر قرار گرفته است.

بر اساس آنچه در بالا گفته شد، مشخص می‌شود که تفسیر تسنیم دایره وسیع‌تری از مضامین را در داستان موسی و خضر مورد توجه قرار داده است و مفاهیم بیشتری را تبیین کرده است. توجه بیشتر به اصل داستان و تبیین جنبه‌های مختلف داستان و شخصیت‌های داستان خصوصاً جناب خضر از نظر تفسیر تسنیم اهمیت بیشتری داشته و سبب شده تا مضمون فراگیر داستان در این تفسیر از وزن بیشتری برخوردار شود، پیرو همین توجه بیشتر به اصل داستان، شبهات پیرامون داستان و شخصیت‌های داستان نیز مورد توجه تفسیر تسنیم قرار گرفته است. یکی دیگر از جنبه‌هایی که مورد توجه تفسیر تسنیم قرار گرفته است، مضمون علم است که بیشترین تفاوت وزن در مضامین پایه را با تفسیر نمونه دارد.

منابع

قرآن کریم

- شرفی، عباس (۱۳۸۰): «اهداف قصص قرآنی»، پژوهش های قرآنی، ۲۵-۲۶ (۷)، صص ۳۴۴-۳۵۷.
- اووه، فلیک (۱۴۰۱): «درآمدی بر تحقیق کیفی»، تهران: نشر نی.
- پاکتچی، احمد (۱۳۹۲): «نقد متن»، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
- جعفرآبادی، فاطمه؛ حسینی، سیدحسن (۱۳۹۳): «نکات تربیتی داستان موسی و خضر (ع) در قرآن کریم و روایات»، قرآنی کوثر، ۵۱ (۱۴)، صص ۸۲-۹۵.
- جلیلی، سیدههدایت؛ روهی، فرزانه (۱۴۰۸): «معنای پنهان متن داستان موسی و خضر؛ خوانش پدیدارشناختی و هرمنوتیک آیات ۶۵-۸۲ سوره کهف». مشکوة، ۱۵۴ (۴۱)، صص ۴-۲۶.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۹): «تسنیم»، جلدهای ۱-۷۵. قم: مرکز نشر اسراء.
- حجازی، بهجت السادات؛ حجازی، سیدعلی رضا (۱۳۹۳): «تحلیلی بینامتنی بر داستان شیخ صنعان با نظری به داستان حضرت موسی و خضر (علیها السلام)» پژوهش های ادبی - قرآنی، ۸ (۲)، صص ۱۳۴-۱۶۰.
- حدادی، مرتضی (۱۴۰۲): «نکات تربیتی مریبگری در داستان موسی و خضر (ع) از منظر قرآن و روایات»، پژوهش های مطالعات اسلامی معاصر، ۲ (۱)، صص ۴۰-۵۶.
- حکیم، محمد تقی (بی تا): «الأصول العامة للفقهاء المقارن» (مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام)، قم: مجمع جهانی اهل بیت (ع).
- خاتمی، سیده سمیه؛ خاتمی، سید مرتضی (۱۴۰۲): «تأثیر آیه ۹۲ سوره یونس بر رد رود نیل و نقض نظریه ران وایت (گردند تئوری)» قرآن پژوهی خاورشناسان. ۲۳۴ تا ۲۵۶.
- خنیفر، حسین. (۱۳۹۶). اصول و مبانی روش های پژوهش کیفی (ج ۱-۲). تهران: نگاه دانش.
- رستمی هرانی، علیرضا. (۱۳۹۸): «مطالعه تطبیقی تفسیر سوره فرقان از منظر آیت الله سبحانی و علامه طباطبایی»، مطالعات تفسیری، ۴۰ (۱۰)، صص ۶۷-۸۰.
- سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۹۰): «منشور جاوید»، جلدهای ۱-۱۴، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- شاهرودی، محمد رضا؛ و نورانی نگار، مرضیه. (۱۳۹۴). آداب شاگردی و استادی در بازخوانی آیات مرتبط با موسی (ع) و خضر (ع). پژوهش های قرآن و حدیث، ۱۲ (۴۸)، صص ۶۵-۸۸.
- شیخ زاده، محمد؛ بنی اسد، رضا (۱۴۰۰): «تحلیل مضمون: مفاهیم، رویکردها و کاربردها»، قم: لوگوس.
- عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمدسعید؛ فقیهی، ابوالحسن؛ شیخ زاده، محمد (۱۳۹۰): «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده های کیفی»، اندیشه مدیریت راهبردی (اندیشه مدیریت)، ۱۰ (۱۰)، صص ۱۵۱-۱۹۸.
- عترت دوست، محمد؛ زاهد، رقیه (۱۴۰۲): «کاربست روش تحلیل مضمون برای فهم موضوعات قرآنی در فرهنگ اسلامی (مطالعه موردی شبکه مضامین سوره انبیاء)»، دین و ارتباطات، ۶۳ (۳۰)، صص ۵۳-۸۰.
- فرامرزی قراملکی، احد (۱۳۹۵): «روش شناسی مطالعات دینی (تحریری نو)»، ج ۱، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- فلاح پور، مجید (۱۳۸۶): «آداب تعلیم و تعلم در داستان موسی و خضر (ع)»، مصباح، ۷۳ (۱۶)، صص ۱۶۷-۱۹۸.
- لطفی، امیرعلی؛ صفری، علی آقا؛ حکیمی، عبدالمؤمن (۱۳۹۸): «مؤلفه های مدیریتی قرآن در قصه موسی و خضر»، قرآن و علم، ۲۵ (۱۳)، صص ۲۵۹-۲۸۶.
- مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان (۱۳۷۴): «تفسیر نمونه»، (ج ۱-۲۸). تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- میراحمدی، عبدالله؛ طالبی طرقی، فرشته (۱۳۹۹): «بررسی تحلیلی ظرایف و اشارات داستان حضرت موسی و خضر (ع) بر مبنای روایات تفسیری فریقین»، تفسیر پژوهی، ۱۳ (۷)، صص ۲۱۷-۲۴۴.
- نجازادگان، فتح الله (۱۳۸۳): «تفسیر تطبیقی (بررسی تطبیقی مبانی تفسیر قرآن و معارفی از آیات در

دیدگاه فریقین»، (ج ۱). قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.

یوسفی، لیلا (۱۴۰۱): «تحلیل اصول تعلیمی برآمده از قصه‌ی حضرت موسی و خضر علیهم السلام»، مطالعات تفسیری آلاء الرحمن، ۱۱(۱)، صص ۱۱۳-۱۲۶.

Boyatzis, Richard E (1998): "Transforming qualitative information: thematic analysis and code development", Sage Publications.

Braun, Virginia; & Clarke, Victoria (2006): "Using thematic analysis in psychology", *Qualitative Research in Psychology*, (3), 77-101.

Ryan, G.W; & Bernard, H. r (2000): "Data Management and Analysis Methods", Sage Publications.

سال نهم

شماره دوم

پیاپی: ۱۸

پاییز و زمستان

۱۴۰۳

References

The Holy Quran

- Ashrafi, Abbas (1380 SH): "Ahdaf Qasas Qurani", Pazhooheshhaye Qurani, 25-26(7), pp. 344-357.
- Ove, Flik (1401 AH): "Dar Amadi bar Tahqiqat Kiifi", Tehran: Nashr Ney.
- Pakatchi, Ahmad (1392 SH): "Naqđ Matn", Tehran: Entesharat Daneshgah Imam Sadiq.
- Jafarabadi, Fatemeh; Hosseini, Seyyed Hassan (1393 SH): "Nokat Tarbiti Dařtan Musa va Khidr (AS) dar Quran Karim va Ravaiyat", Qurani Kowsar, 51(14), pp. 82-95.
- Jalili, Seyyed Heydat, Rouhi, Farzaneh (1401 AH): "Ma'naye Penhan Matn Dařtan Musa va Khidr"; Khwandesh Padeharsanakhti va Hermeneutik Ayat 65-82 Sura Kahf, Mishkahat, 154(41), pp. 4-26.
- Javadi Ameli, Abdullah (1399 SH): "Tasnim, Volumes 1-75", Qom: Markaz Nashr Isra.
- Hojjati, Bahjat al-Sadat, Hojjati, Seyyed Ali Reza (1393 SH): "Tahlili Baynamatni bar Dařtan Sheikh San'an ba Nazari be Dařtan Hazrat Musa va Khidr (AS)", Pazhooheshhaye Adabi - Qurani, 8(2), pp. 134-160.
- Haddadi, Morteza (1402 AH): "Nokat Tarbiti Morabegari dar Dařtan Musa va Khidr (AS) az Manzar Quran va Ravaiyat", Pazhooheshhaye Motale'at Islami Mo'aser, 2(1), pp. 40-56.
- Hakim, Muhammad Taqi (n.d.): "Al-Usul al-Ammah lil Fiqh al-Muqaran", Qom: Majma' Jahani Ahl al-Bayt (AS).
- Khatami, Seyyed Somayeh; Khatami, Seyyed Morteza (1402 AH): "Ta'sir Ayat 92 Sura Yunus bar Rad Rud-e Nil va Naqz Nazariyeh Ran White (Grand Theory)", Quran Pazhouhi Khavarsanasan, pp. 234-256.
- Khanifar, Hossein (1396 SH): "Osul va Mabanai Ravesh-haye Pazhoohesh Kiifi", (Vol. 1-2), Tehran: Negah Danesh.
- Rořtami Harani, Alireza (1398 SH): "Motale'e Taqbigi Tafsir Sura Furqan az Manzar Ayatollah Subhani va Allameh Tabatabai", Motale'at Tafsiri, 40(10), pp. 67-80.
- Subhani Tabrizi, Ja'far (1390 SH): "Manshur Javid", Volumes 1-14, Qom: Mo'as-seseh Imam Sadiq (AS).
- Shahroudi, Muhammad Reza, Nourani Negar, Marzieh (1394 SH): "Adab-e Shagirdi va Eřtadi dar Bazkhan-e Ayat Marbut ba Musa (AS) va Khidr (AS)", Pazhooheshhaye Quran va Hadith, 12(48), pp. 65-88.
- Sheikhzadeh, Muhammad, Bani Asad, Reza (1400 AH): "Tahlil Mavzun: Mafahim", Roukardha va Karbordha, Qom: Logos.
- Abedi Jafari, Hassan, Taslimi, Muhammad Saeed, Faqihi, Abolhasan, Sheikhzadeh, Muhammad (1390 SH): "Tahlil Mavzun va Shabake Mavazeen: Raveshi Sadeh va Karamad baray Tabiin Alghoha-ye Mojood dar Dadehaye Kiifi", Andisheh Modiriyat Rahbordi (Andisheh Modiriyat), (10), pp. 151-198.
- Itratdořt, Muhammad, Zahed, Roghayeh (1402 AH): "Karbashat Ravesh Tahlil Mavzun baray Fahm Mozo'at Qurani dar Farhang Islami (Motale'e Moredi Shabake Mavazeen Sura Anbiya)", Din va Ertebatat, 63(30), pp. 53-80.
- Faramarz Gharamaleki, Ahad (1395 SH): "Raveshshenasi Motale'at Dini (Tahriri No)", Vol. 1, Daneshgah Oloum Islami Razavi.
- Fallahpour, Majid (1386 SH): "Adab-e Ta'lim va Ta'allum dar Dařtan Musa va Khidr (AS)", Misbah, 73(16), pp. 167-198.
- Lotfi, Amir Ali, Safari, Ali Aqa, Hakimi, Abdul Momen (1398 SH): "Mo'allegahaye Modiriyati Quran dar Qesse Musa va Khidr", Quran va Elm, 25(13), pp. 259-286.

- Makarem Shirazi, Naser and a group of authors (1374 SH): "Tafsir Namunch, (Vol. 1-28)", Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Mirahmadi, Abdullah, Talebi Tarqi, Fereshteh (1399 SH): "Barrasi Tahlili Zara'if va Isha'rat Da'stan Hazrat Musa va Khidr (AS) bar Mabna-ye Ravaiyat Tafsiri Fariqin", Tafsir Pazhouhi, 13(7), pp. 217-244.
- Najarzadegan, Fathollah (1383 SH): "Tafsir Taqbigi (Barrasi Taqbigi Maban Tafsir Quran va Ma'arifi az Ayat dar Didgah Fariqin)", (Vol. 1), Qom: Markaz Jahani Oloum Islami.
- Yousefi, Leila (1401 AH): "Tahlil Osul Ta'limi Bar Amadeh az Qesse Hazrat Musa va Khidr (AS)", Motale'at Tafsiri Alaa al-Rahman, 11(1), pp. 113-126.
- Boyatzis, Richard E (1998): "Transforming Qualitative Information: Thematic Analysis and Code Development", Sage Publications.
- Braun, Virginia; & Clarke, Victoria (2006): "Using Thematic Analysis in Psychology", Qualitative Research in Psychology, 3, 77-101.
- Ryan, G.W; & Bernard, H. R (2000): "Data Management and Analysis Methods", Sage Publications.

سال نهم

شماره دوم

پیاپی: ۱۸

پاییز و زمستان

۱۴۰۳